تفاوت کلی عقد البیع با انشاء فردی از آن؛ تصویر قصد در انشاء عقد

حال سر عقد می‌آیی‌م. ببینید درست است که عقد یک عنصر حقوقی است و عقلاء، کلی آن را اعتبار می‌کنند. عقد یعنی سببی برای انتقال ملک. عقلاء ملکیت را اعتبار کرده‌اند و یک سببی را هم برای آن اعتبار می‌کنند؛ سببی که در دست خودشان است و می‌توانند اینجا را قبول کنند و آنجا را قبول نکنند. سببیت اسباب در اعتباریات هم اعتباری است و تکوینی نیست. سببیت ِیک چیزی در فضای اعتبار، اعتباری است. لذا با یک خصوصیاتی می‌گویند این عقد، سبب است برای انتقال ملکیت. خود عقلاء یک عقد دیگری را می‌گویند باطل است؛ یعنی سببش نمی‌کنند. تا اینجا مشکلی نیست.

شاگرد۲: یک جا منظور از عقد، مسبب است؛ یعنی بسته حقوقی بیع. ولی یک عقد هم سبب اعتباری است. اینجا که ملک را در کنار عقد گذاشتم، منظورم آن بسته حقوقی است که با «بعت و اشتریت» محقق بشود. مثل در بیع فرمودید «نقد العین بالثمن». خب عقد بیع را اینجور طراحی کرده‌اند، حالا باید یک سبب اعتباری هم بگذارند که مثلاً با «بعت و اشتریت» ای با معاطات محقق بشود.

استاد: یعنی ما یک انشاء عقد داریم و یک مُنشأ داریم. ما به الانشاء آیا جزء مُنشأ هست یا نه؟

شاگرد۲: من اینجور تفکیک می‌کنم که یک اعتبار عقد داریم و یک انشاء عقد.

استاد: آن هنوز مانده است. من انشاء را عرض می‌کنم.

ببینید ما نزد عقلاء یک عقد البیع داریم. عقد البیع یک چیز کلی است؛ به‌عنوان سبب کلی برای انتقال ملکیت است. همه این را می‌فهمند. می‌گوییم معاملات، خریدوفروش. این کلی عقد است. عقلاء هم این را به‌عنوان سببی برای انتقال ملکیت قبول دارند. این همان بیع کلی به‌عنوان عنصر حقوقی است. وقتی شما معامله می‌کنید با قصد انشاء، فردی از آن سبب را محقق می‌کنید. ایجاد می‌کنید تا آن را انجام بدهید. خب بنابراین انشاء عقد و عملیة العقد، کلی نیست، بلکه ایجاد یک فردی از عنصر حقوقی در خارج است. شما در شخصیت حقوقی به بانک مثال زدید. مثال بانک خوب است؛ اول آن را به‌عنوان یک شخصیت اعتبار می‌کنیم. بعد می‌گوییم این شخصیت، مالک است. بعداً می‌گوییم طرف عقد معامله، بانک است. عقلاء مشکلی نمی‌بینند. یعنی یک عقد خاص از آن عقد کلیای که عقلاء قبول دارند، دارد محقق می‌شود و طرفش بانک است. اما نکته سر این است که بانک به‌عنوان یک شخصیت اعتباری، نمی‌تواند خودش عقد را ایجاد کند. عقد، کار است، نه یک عنصر حقوقی کلی. وقتی می‌خواهید یک فرد از عقد را انشاء کنید، باید یک کاری انجام بشود. اما چطور بانک این کار را انجام می‌دهد؟ وقتی می‌خواهد این کار را انجام بدهد، باید لوازم و مصالح و مفاسد این معامله را نگاه کند. یک شخصیت اعتباری، چطور می‌خواهد مصالح و

مفاسد را نگاه کند؟! لذا چراهای ندارید که بگویید خود آن بانک یک شخص اعتباری است، اما عامل انسانی، وکیل بانک است؛ او است که سبک و سنگین می‌کند و مصالح بانک را در نظر می‌گیرد. به‌عنوان نماینده بانک، او است که دارد انشاء می‌کند. به گمانم این خیلی واضح است که خود شخصیت اعتباری نمی‌تواند عقد را ایجاد کند و قصد انشاء کند. اما می‌خواهیم بگوییم هوش مصنوعی این کار را می‌کند. تفاوت معلوم باشد.

شاگرد۱: بنابراین در اینجا اشکال کمتری هست. چون هوش مصنوعی می‌تواند یک کاری هم بکند.

استاد: اصلاً کار انجام می‌دهد. طبق الگوریتمی که به آن داده‌اند، تمام مصالح و مفاسد بازار را می سنجد و جلو می‌رود. مخصوصاً در الگوریتم‌های یادگیری، وقتی یک جایی ضرر و ورت گرفته، دیگر آن راه را نمی‌رود. دقیقاً روی حساب الگوریتم‌های پیشرفته معین می‌کند، و در یادگیری، آن‌ها را کامل می‌کند.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 16:50:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:50:49 توسط ... .